روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۲۲ آبان ۱۳۹۶ • ۲۴ صفر ۱۴۳۹ • ۱۳ نوامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۱۰ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۱۸ • اذان صبح‌فردا ۵:۱۲ • طلوع آفتاب ۶:۲۹

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

حرف درشت

به ترامپ گفتند: شاهدت کیه؟ گفت: پوتینم

پوریا عالمی

● دونالد ترامپ توییت کرد: «به صداقت کلام پوتین، رئیس‌جمهور روسیه که می‌گوید در انتخابات آمریکا دخالت نداشته، اعتماد دارم». سؤال اینجاست که الان روسیه باید درباره دخالت در انتخابات آمریکا جوابگو باشد یا فامیل‌های خود ترامپ؟ ما نمی‌دانیم.

دونالد ترامپ بعدش گفت: «کی این نادان‌ها می‌فهمند برقراری رابطه با روسیه، یک کار خوب است و نه یک کار بد». خوشبختانه دغدغه اصلی مسئولان جهان در رابطه با روسیه یکی است؛ یعنی مردم می‌گویند نره، آنها می‌گویند بدوش.

ترامپ اضافه کرد: «من می‌خواهم مشکلاتی مانند کره شمالی، سوریه، اوکراین و تروریسم را حل کنم و روسیه می‌تواند کمک بزرگی باشد».

وقتی قرار است دوتا مشکل بزرگ دنیا دست به دست هم بدهند تا مشکلات دیگر را حل کنند، یعنی مشکل جای دیگری است.

ترامپ گفت: «هربار که پوتین مرا می‌بیند، می‌گوید «من این کار را نکردم» و من هم واقعا باور می‌کنم که وقتی چنین چیزی می‌گوید کاملا صادق است».

به ترامپ گفتند شاهدت کیست؟ گفت پوتینم.

ترامپ گفت: «فکر می‌کنم پوتین از این بابت خیلی مورد توهین قرار می‌گیرد و این مسئله برای کشور ما خوب نیست».

به قول بچه‌های امروز، آدم وقتی قفلی می‌زند روی یکی همین می‌شود.

حالا اینجا را گوش کنید که شنبه در دومین روز از اجلاس اقتصادی «اَپک» که در ویتنام برگزار شد، رهبران آمریکا و روسیه در حد دست‌دادن و قدم‌زدن، دیداری غیررسمی داشتند و ملاقات رسمی آنها میسر نشد. و درست بعد از اینکه ترامپ حرف‌های بالا را گفت و توییت‌هاش را کرد، پوتین در کنفرانسی خبری گفت: «عدم برقراری دیدار رسمی نشان از بحرانی‌بودن روابط مسکو- واشنگتن دارد» و برای آمریکا ناز آمد و آب پاکی را ریخت روی دست ترامپ و خلاص. دقیقا همین کاری که ترامپ با روسیه می‌کند، ما با کسی که به همان گیر می‌دهد، انجام می‌دهیم. حتی وقتی بچه بودیم و زورمان به قلدر کلاسمان نمی‌رسید، براش نوشابه باز می‌کردیم و باهاش اعلام دوستی می‌کردیم. خیلی هم استراتژی خوبی است، عیبش این است که این دوستی یک‌طرفه است و طرف یکهو می‌آید توی کنفرانس خبری و با آبپاش همه گل‌های آدم را آب می‌دهد و تمام.

کارتون خواب

مهدی عزیزی

اعتراض ماهیگیران خُرد بوشهری به حضور کشتی های بزرگ صیادی

تحلیل

باید جلوی جنگ را بگیریم

هوشنگ ماهرویان

جمهوری‌خواهان و آقای ترامپ، نماینده صنایع اسلحه‌سازی آمریکا هستند. آنها می‌خواهند این صنایع را رشد دهند و برای رشددادنش، باید جنگ ایجاد کنند. قبلا اسلحه برای جنگ تولید می‌شد و اکنون جنگ تولید می‌شود برای فروش اسلحه. بنابراین سفر ترامپ به عربستان با این برنامه صورت گرفت که در خاورمیانه اغتشاش ایجاد کند. قضیه دیگر این است که روس‌ها و آمریکایی‌ها برای بالابردن قیمت نفت از جنگ خاورمیانه نفع می‌برند. بالارفتن قیمت نفت به‌نفع آنها و به ضرر چین و هند است.

درحال‌حاضر اقتصاد چین و هند شکوفا شده است و چون این دو کشور نفت ندارند، رقبای‌شان قصد دارند این دو اقتصاد را با بالابردن قیمت نفت بشکنند و به این دلیل، سیاست آمریکا - عمدتا- و بعد از آن روسیه، این است که در این منطقه اغتشاش ایجاد کنند. مثلثی نیز وجود دارد که تشکیل شده است از عربستان، اسرائیل و آمریکا. برای اینکه در اینجا اغتشاش ایجاد نشود، ما باید سیاست بسیار داهیانه‌ای داشته باشیم که نگذاریم چنین چیزی به‌وجود بیاید. نباید بگذاریم مسائلی که مثلا در مورد موشک شلیک‌شده از یمن مطرح کرده و به ایران نسبت داده‌اند، رشد کند و بالا بگیرد. نباید بگذاریم مسئله یمن و موشکی که در عربستان افتاده است، به این نقطه برسد؛ چون برافروختن جنگ میان ایران و عربستان چیزی است که هم در ایران آفت ایجاد می‌کند و هم خاورمیانه را به‌هم می‌ریزد. بنابراین نیاز به سیاست داهیانه‌ای است. به‌نظر من باید بسیار فکرشده قدم برداشته شود تا ما به چنین نقطه‌ای نرسیم، چون نقطه جنگ که عمدتا نتیجه سیاست‌های ابلهانه جمهوری‌خواهان و آقای ترامپ است، تمام خاورمیانه را نابود خواهد کرد.

بخش‌هایی از سیاسیون ما قضیه اختلاف شیعه و سنی را بسیار زیبا حل می‌کنند؛ مانند هفته‌ای برای وحدت میان شیعه و سنی که نام هفته وحدت را بر آن گذاشته‌ایم. اما جریان‌ها و سیاست‌های رادیکال در خود ایران گاه بازتاب گسترده‌ای پیدا می‌کنند. نمونه این نوع سیاست‌ها در کشورهایی مانند عربستان هم وجود دارد. در این میان، ما که بخش‌هایی از مناطق مرزی کشورمان محل سکونت اهل سنت است، باید بسیار دقیق باشیم که اختلافی میان شیعه و سنی ایجاد نشود. باید با سیاست‌های دقیق و مدبرانه، احساس ایرانی‌بودن را رشد داد. نمونه‌ای از این اقدامات، رشته ادبیات و زبان کردی است که آقای روحانی در دانشگاه ایجاد کرد تا تدریس شود. این کار سبب فروکش‌کردن احساسات شوونیستی می‌شود. در نظر داشته باشیم عربستان واقعی با آنچه در گفتار عوام مطرح می‌شود، تفاوت دارد. آنها پول زیادی داشته‌اند و تحصیل‌کرده‌های بسیاری در اروپا و آمریکا و نقاط دیگر دارند و مسائلی را مانند اینکه زنان اجازه رانندگی نداشته باشند، آرام‌آرام کنار می‌گذارند. با این حال ما باید با توجه به اسلحه زیادی که ترامپ به آنها فروخته است، حواسمان جمع باشد که وسیله‌ای برای سیاست‌های جنگ‌طلبانه کارخانه‌های اسلحه‌سازی نشویم.

پرنده آبی

خانم‌ها، آقایان ستاره! لطفا با هم بدرخشید!

سحرطلوعی: ۱. وقتی آلیسا میلانو، بازیگر هالیوودی در توییترش از تعرضات و آزارواذیت‌های پشت‌صحنه فیلم‌ها نوشت و هشتگ می‌تو (من هم ...) را به یکی از پربازدیدترین و پربحث‌ترین سوژه‌های جهان در فضای مجازی و حقیقی تبدیل کرد، تنها نماند. خیل عظیمی از رازهای عذاب‌آورشان پرده برداشتند و درواقع او را تنها نگذاشتند. آنها اجازه ندادند خانم میلانو سیل مافیای صنعت هالیوود باشد. آنها تعداد سیل‌ها را افزایش دادند تا هزینه برخورد را بالا ببرند. آنها موج می‌تو را راه انداختند تا آنجا که نام یکی از غول‌های مطرح عرصه تهیه‌کنندگی هالیوود را سر زبان‌ها انداختند؛ هاروی واینستین. او بسیاری را آزار داده بود. موج می‌تو به اینجا ختم نشد؛ پای آن حتی به ساختمان شماره ۱۰ داوننگ استریت لندن هم باز شد و یقه آقای وزیر دفاع را گرفت و او را مجبور به استعفا کرد. موج تا آنجا پیش رفت که دروازه‌بان تیم فوتبال زنان آمریکا، سپ بلاتر را هم وارد میدان کرد و از رفتارهای نامربوط او گفت. مهم این است که آلیسا میلانو تنها نماند. مهم این است در هیاهوی موج «می‌تو» ستاره‌های هالیوودی اختلافات شخصی‌شان را کنار گذاشتند و از یکی از معضلات دامن‌گیرشان حرف زدند.

۲. در سال‌های گذشته ادعاهای زیادی درباره فساد گسترده و حتی سیستماتیک در فوتبال ایران مطرح شده است؛ ادعاهایی درباره مافیای داوری، قهرمانی‌های با تبانی به‌دست‌آمده، پول‌های ردوبدل‌شده در قراردادهای زیرمیزی و رومیزی بازیکنان و مربیان، حتی فساد در قرارداد لباس‌های تیم ملی، توپ‌های تیم ملی و لیگ، اردوهای تیم‌ها، نحوه ورود بازیکنان به باشگاه‌ها، حضور دلال‌ها و ...، اما چرا این ادعاها به سرانجام خوبی نرسیده است؟ چرا تاریکخانه این حرف‌ها و ادعاها به‌درستی روشن نشده است؟ چرا همواره یک نفر سیل شده و تبدیل به موجی فراگیر که نتیجه‌اش قابل عرض باشد، نشده است؟ چرا یک روز علی کریمی زیرپوستی حرف می‌زند، اما دوستان و هم‌بازی‌ها و هم‌دوره‌ای‌هایش صدایشان درنمی‌آید؟ چرا یک دوره مایلی‌کهن آشکارا پشت پرده را بیرون می‌ریزد، اما شاگردان و مربیان و هم‌صنفی‌هایش دهانشان را می‌بندند و به صدا درنمی‌آیند که بله همین است که او گفت، رسیدگی کنید. چرا وقتی علی دایی ناگفته‌هایش را از فساد فوتبال ایران می‌گوید، بقیه صم و بکم تماشا می‌کنند و در نهایت به لایکی پای حرف‌های او راضی می‌شوند؟ چرا وقتی مسعود شجاعی، کاپیتان تیم ملی‌مان، از اوضاع نگران‌کننده مدرسه‌های فوتبال گفت، حتی فریاد وااسفایی از دوستانش بلند نشد؟ با این ادعا نسخه ۱۶۰ مدرسه فوتبال خاطی پیچیده شد. چرا اختلافات فردی میان سلبریتی‌های فوتبال ما برای گشایش در این امر مهم کنار گذاشته نمی‌شود و این سندهای زنده و گویا پشت به پشت هم نمی‌دهند که موجی راه بیفتد و سدی به‌واقع بشکند و ویرانه‌ای را آب ببرد؟

۳. علی کریمی بعد از مدت‌ها خاموشی، سر بحث و گفت‌وگو را در یک برنامه تلویزیونی باز کرده است. جا دارد علی دایی که در این بحث‌ها هم‌داستان هم‌بازی سابقش است، اختلافات آن یک روز بازی سالنی را فراموش کند و پشت کریمی قد علم کند که بله او درست می‌گوید و این هم سندش. جا دارد مسعود شجاعی سندی جدید از این ادعاها رو کند که بله کریمی و دایی راست می‌گویند و این هم مدرکی که من دارم. مهم است که مایلی‌کهن عصبانیت همیشگی‌اش را کنار بگذارد و حرف‌هایش را یک‌بار دیگر با آرامش به گوش برساند. خداداد عزیزی وارد میدان شود، حرفی از فوتبال بانوان به میان آید و ... و این موج تا آنجا برود که ویرانه ادعایی را یک‌بار برای همیشه بکوبد و از نو بسازد وگرنه ما حق داریم فکر کنیم این حرف‌ها و این ادعاها یا از بیخ‌وبن دروغ است یا مطرح‌کنندگانش فقط غم خودشان را دارند و هرازچندی که دلشان، آن هم به‌خاطر ازدست‌رفتن منافع خودشان به درد آمده، گوشه‌ای می‌زنند و لایکی و درودی و آفرینی می‌گیرند و تبشان می‌خوابد تا یک روز دیگر. ما به پهلوانی و آزادگی جمعی شما نیازمندیم؛ ناامیدمان نکنید.

آکادمی

سرای محلات، زندگی واقعی

بابک زمانی

رئیس انجمن سکته مغزی

سرای محلات شهر تهران خانه‌هایی هستند در نزدیک‌ترین فاصله از خانه‌های مردم. خانه‌هایی بزرگ با اتاق‌های متعدد و کمابیش مدرن و البته با سالن‌های کنفرانسی با گنجایش حدود صد نفر. نمی‌دانم فکر تأسیس سرای محلات اول به ذهن چه کسی رسید اما اکنون او باید بر خود ببالد که این سراها بارها از آن فکر فراتر رفته است.

این خانه‌ها مراکز تجمعی هستند که شکلی مدرن و اداره‌شده از مراکز تجمع قدیم مثل قهوه‌خانه‌ها به شمار می‌روند با دو تفاوت اساسی؛ یکی آنکه در اینجا کسی دود نمی‌کشد، دوم اینکه مراجعان این خانه‌های مدرن بیشتر خانم‌ها، مادرها و مادربزرگ‌ها هستند؛ آن هم اجتماعی‌ترینشان! کسانی که سرای محله را می‌شناسند و برنامه‌ها را دنبال و در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند! آدم‌های مهمی که مرکز و مرجع یک خانواده، یک فامیل و یک محله به شمار می‌روند. سرای محلات جوانه‌هایی هستند از دنیای مدرن با تصوراتی مدرن در محلاتی که پابه‌پای ظاهرشان باید تعابیر و تصوراتشان را نیز خانه‌تکانی کنند. سالن‌های کنفرانس با مبل‌های راحت و آخرین تجهیزات سمعی- بصری و پرسنلی تحصیل‌کرده و علاقه‌مند، گویی انتظار کسانی را می‌کشند تا درمان مدرن سکته مغزی حاد با داروهای حل‌کننده لخته را به‌جای زالو و سوراخ‌کردن گوش بگذارند یا از ضرورت بررسی پروستات، پستان، فشار خون و... به جای بسیاری عادات دیگر بگویند.

روز پنجشنبه ۱۱ آبان به اتفاق ۲۵ نفر از متخصصان مغز و اعصاب، هم‌زمان و هماهنگ طبق برنامه‌ای شامل یک سخنرانی واحد و ویدئوهای متعددی که بارها آنها را وارسی و تمرین کرده بودیم، به ۲۳ سرای محله تهران رفتیم و تا پاسی پس از اتمام برنامه نیز به پرسش‌ها جواب دادیم و ملاقات رودررو داشتیم. همراه با متخصصان جوان تازه‌فارغ‌التحصیل تشنه خدمت براساس آخرین دستاوردهای علمی، با مردم از لزوم انتقال سریع بیمار برای درمان سکته مغزی گفتیم و اینکه برای انتقال تنها از اورژانس ۱۱۵ استفاده کنند و به بیمارستانی بروند که آمبولانس توصیه می‌کند و نه بیمارستانی که شیک‌تر است یا آشنایی در آن داریم! این ارتباط نزدیک، خارج از محیط مطب و بیمارستان برای همه ما جالب و لذت‌بخش بود. البته اشتیاق مردم در فراگرفتن آنچه می‌گفتیم، همه ما را به وجد آورد، اما باید گفت شاید ما بیش از آنچه آموختیم یاد گرفتیم. تجربه ارتباط نزدیک با مردم تجربه گرانبهایی است که نه به اطلاعات خام پزشکان بلکه به توانایی‌های اجتماعی و انسانی آنان ارتباط دارد.

در ملاقات با محورهای ۴۰، ۵۰ خانواده درحالی‌که هیچ بیماری وجود ندارد، توانستیم بشنویم راجع به ما چگونه می‌اندیشند، وقتی به ما مراجعه می‌کنند، چه احساسی دارند یا با کارهایمان و بیمارستان‌هایمان چه احساساتی ایجاد می‌کنیم. در برابر آینه‌ای راست و شفاف ساعتی درنگ کردیم. شاید یک روز شرکت فعال در چنین برنامه‌هایی بخشی از فعالیت‌های رسمی آموزشی پزشکان به شمار آید! نکته آخر اینکه تصمیم دارم به سرای محله خودمان گاهی سری بزنم. قطعا داشتن اطلاعات مختصری درباره بیماری‌های مغز و اعصاب انسان را از کلی اطلاعات ضروری دیگر که خدا می‌داند چقدر از آنها عقب افتاده‌ام، بی‌نیاز نمی‌کند.

دور دنیا

میلیاردرهای آسیا از آمریکا بیشتر بود

دیلی‌میل: برای اولین‌بار، آسیا به‌عنوان منطقه‌ای که بیشترین تعداد میلیاردرها را دارد، توجه اقتصاد ایالات متحده را به خود جلب کرده است. در سال گذشته، آمریکا ۵۶۳ میلیاردر داشت، درحالی‌که آسیا ۶۳۷ نفر داشت. طبق گزارشی که منابع مالی منتشر کرده‌اند، با توجه به طبقه کارآفرینی که چین ایجاد کرده، بازگشت ثروت را در آسیا افزایش داده است، به‌طوری‌که در آسیا هر سه روز یک‌بار میلیاردری متولد می‌شود. هرچند میلیاردرهای آسیایی درحال‌حاضر بیشتر از همتایان آمریکایی خود هستند، اما آمریکایی‌ها هنوز هم ثروت بیشتری را کنترل می‌کنند. اروپا در سومین رده دارابودن منابع مالی است و تنها ۳۴۲ میلیاردر در اروپا زندگی می‌کنند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد سه‌چهارم کسانی که اخیرا میلیاردر شده‌اند در سال ۲۰۱۶ از چین و هند بوده‌اند.

جان ماتز، یکی از محققان ارشد در UBS، گفته است: «ایالات متحده هنوز هم بیشترین ثروت جهان را داراست و همان‌طور که انتظار می‌رود، در یک کشور با چنین ذهنیت کارآفرینی‌ای، بزرگ‌ترین راه ایجاد ثروت فناوری است». البته در آسیا نیز این کارآفرینان میلیاردر نه‌تنها ثروت خود را افزایش می‌دهند، بلکه همچنین به‌دنبال این هستند که از لحاظ اجتماعی تأثیرگذار باشند. آنها از طریق فعالیت‌های فرهنگی خود دنبال ایجاد میراثی ماندگار برای خود هستند و درحال‌حاضر بیشترین فعالیت را در هنر انجام می‌دهند و به طور فزاینده‌ای در باشگاه‌های ورزشی سرمایه‌گذاری می‌کنند.

طبق این گزارش، موزه‌های خصوصی در حال افزایش هستند و موزه‌های عمومی دریافت مالی بیشتری دارند و دسترسی مردم به هنر را افزایش می‌دهند. میلیاردرها همچنین به باشگاه‌های ورزشی کمک می‌کنند تا پایدارتر شوند و به آنها کمک کنند تا مزایای بیشتری را به دست آورند. محققان گفته‌اند که مجموعا درحال‌حاضر هزارو ۵۴۲ میلیاردر در جهان کنترل شش‌تریلیون را دارند. این گروه از میلیاردرها مالکیت شرکت‌هایی را برعهده دارند که می‌توانند بیش از ۲۷.۷ میلیون نفر را استخدام کنند.